

## **Reanalysis of Elements of and Factors in Institutionalization of Social Norms from Imam Ali (PBUH)'s Point of View**

**Mojgan Ghaderzadeh<sup>\*</sup>, Ahmad Zarezardini<sup>\*\*</sup>**

**Hasan Zarei Mahmoodabadi<sup>\*\*\*</sup>, S.Saeed Zahed Zahedani<sup>\*\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

Social capital in each and every society has its origin in historical experiences and is a function of temporal and spatial situation. Among the most important factors in social capital are social norms, which fall within the scope of sociology. Social norms are rules of behavior used in social interactions and relations and emanate from opinions, beliefs, and social values. Through the analytic-descriptive method, the present article tries to examine mechanisms of institutionalization of social norms from the standpoint of Imam Ali (PBUH). Research findings show that in his view the most important traits of individuals in society that engender institutionalization of social norms are justice of norms, harmony and alignment of norms with essential human needs, sustainability of norms, righteousness, coherence of norms, social awareness and avoidance of individualism, acceptance of reference groups, self-control, otherworldliness, belief in divine monitoring, moral sense,

\* ph.d student, Department of Quranic Sciences and Hadith, Meybod University, Meybod, Iran, Mghaderzadeh1@gmail.com

\*\* Department of Quranic Sciences and Hadith, Meybod University, Meybod, Iran (corresponding author), zarezardini@meybod.ac.ir

\*\*\* Department of humanities, faculty of iranology, meybod university, meybod, Iran, h.zarei@meybod.ac.ir

\*\*\*\* Associate professor of Sociology, department of economy, management, and social sciences, Shiraz university, shiraz, iran, zahedani@shirazu.ac.ir

Date received: 2021/10/04, Date of acceptance: 2022/05/20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

belief in essential dignity of human beings, and spiritualism. Localization and Islamization of the ways of institutionalizing norms in Islamic society can be referred to as the results of the research.

**Keywords:** Imam Ali, social norms, institutionalization, social capital, localization of human sciences.

## بازکاوی عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی از دیدگاه امام علی(ع)

مژگان قادرزاده\*

احمد زارع زردینی\*\*، حسن زارعی محمود ابادی\*\*\*، سید سعید زاهد زاهدانی\*\*\*\*

### چکیده

سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای برخاسته از تجربه‌های تاریخی و تابع شرایط زمانی و مکانی آن است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی است که در حیطه موضوعات جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد. هنجارهای اجتماعی به منزله قاعده رفتاری هستند که در تعاملات و مناسبات اجتماعی به کار برده می‌شوند و منبعث از اعتقادات، باورها و ارزش‌های اجتماعی هستند. مقاله حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی مکانیسم‌های نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی را از نگاه امام علی(ع) بررسی نماید، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، از نگاه امام علی(ع) مهم‌ترین ویژگی‌هایی که سبب می‌شود هنجارهای اجتماعی در جامعه نهادینه شوند، عبارتند از: عادلانه‌بودن هنجارها، هماهنگی و همسویی هنجارها با نیازهای ذاتی انسان، پایداری هنجارها، حق‌گرایی، هماهنگی هنجارها، همچنین آگاهی اجتماعی و پرهیز از فردگرایی، پذیرش الگوهای

\* دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه میبد، میبد، ایران، Mghaderzadeh1@gmail.com

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)،

zareardini@meybod.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. h.zarei@meybod.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز

zahedani@shirazu.ac.ir، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰



مرجع، خود کنترلی، آخرت‌گرایی، اعتقاد به نظارت الهی، وجدان اخلاقی، اعتقاد به کرامت ذاتی، معناگرایی، بخشی از ویژگی‌هایی است که افراد در جامعه انسانی، بایستی از آن برخوردار باشند تا هنجارها در اجتماع نهادینه شوند. از نتایج پژوهش می‌توان به بومی‌سازی و اسلامی‌سازی راهکارهای نهادینه‌سازی هنجارها در جامعه اسلامی اشاره نمود.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی(ع)، هنجارهای اجتماعی، نهادینه‌سازی، سرمایه اجتماعی، بومی‌سازی علوم انسانی.

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای با فرهنگ خاص خود شکل می‌گیرد. لذا پیچیدن نسخه خاص برای همه جوامع امری امکان‌ناپذیر است. زیرا سرمایه اجتماعی یک ویژگی ژنتیکی نیست، بلکه پدیده‌ای است برخاسته از تجربه‌های تاریخی و تابع شرایط زمانی و مکانی هر جامعه می‌باشد. بنابراین همواره در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارد. به طور کلی می‌توان اذعان کرد که میزان سنجش و بروز آن در میان یک جامعه می‌تواند به شناسایی تحولات فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی و سیاسی آن جامعه کمک زیادی بکند. لذا شناخت سرمایه اجتماعی در جوامع دینی شرایط و مناسبات خود را می‌طلبد. زیرا دین همواره یکی از مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود که همیشه دارای نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات از صدر اسلام تاکنون برخوردار بوده است. این عنصر نیرومند توانسته کارکردهای ارزشمندی را در ایجاد سرمایه اجتماعی داشته‌باشد. همچنین عامل بسیار مهمی در کاهش انحرافات در سطوح مختلف جامعه داشته‌باشد. آشکار است که تقویت مؤلفه‌های دینی تا چه اندازه می‌تواند در ارتقاء ارزش‌های انسانی تاثیرگذار باشد و از سوی دیگر این امر می‌تواند در توسعه پایدار و ایجاد امنیت در اجتماع و افزایش مشارکت‌های مردمی نیز مؤثر باشد. یکی از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، هنجارهای اجتماعی است. برای نهادینه‌کردن هنجارهای اجتماعی، شناخت ویژگی‌های هنجارها و همچنین ویژگی‌های افراد جامعه بایستی مورد توجه قرار گیرد که این موضوع در نگاه محققان کلام امام علی(ع) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین این نوع نگاه به هنجارهای اجتماعی سعی دارد آن را بر پایه بنیان‌های فرهنگی اسلام پی‌ریزی کند. در این پژوهش ویژگی‌های هنجارها و هنجارپذیران را که در کلام مورد توجه امام علی(ع) قرار گرفته‌اند را مورد بررسی

قرارداده‌ایم. با توجه به این موضوع مهمترین سؤالات تحقیق در این پژوهش عبارتند از: کدام ویژگی‌های هنجارهای اجتماعی در جهت نهادینه‌کردن سرمایه اجتماعی دخالت دارند؟ چگونه هنجارهای اجتماعی به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شوند و ویژگی‌های افراد جامعه برای درونی‌کردن و نهادینه‌کردن هنجارهای اجتماعی چیست؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع هنجارهای اجتماعی در دیدگاه امام علی (ع) می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد:

الف: فردوس میریان و محسن صمدانیان (۱۳۸۸) در مقاله هنجارهای اجتماعی در نهج‌البلاغه به تجزیه و تحلیل ارزش‌ها و هنجارها پرداخته‌اند تا از آن طریق بتوان به راهکارهایی جهت تقویت هنجارهای مفید و کنترل ناهنجاری‌های آنها و تبدیل ارزش‌ها به هنجارهای اجتماعی دست یافت.

ب: در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل تبدیل ارزش‌ها به هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه (۱۳۸۸)، نویسندگان فوق راهکارهایی از جمله پایبند بودن رهبران و مسئولان به ارزش‌ها و به‌کارگیری روش‌های تبلیغی مناسب در تقویت علاقه و گرایش مردم نسبت به ارزش‌ها را از مهمترین عوامل تبدیل ارزش‌ها به هنجارها معرفی کرده‌اند.

ج: مقاله بسترهای اخلاق اجتماعی نیز از دیدگاه نهج‌البلاغه (۱۳۸۷) توسط حسین علی مصدقیان نوشته شده است. مؤلف سقوط یک جامعه را در اثر سقوط هنجارهای اجتماعی ذکر می‌کند و راهکارهای جلوگیری از آن را گسترش معنویات، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت، جلوگیری از مسخ شدن هنجارها، ایجاد بسترهای اقتصادی، همبستگی ملی، ذکر کرده‌اند.

د: مقاله عوامل مؤثر بر هنجارسازی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم (۱۳۹۹) عنوان مقاله سیدمحسن میرسنده است که در استقرار ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب دینی به عواملی همچون هنجار فرستان، هنجارها و مخاطبان هنجاری اشاره کرده‌اند. هرچند در مقاله مذکور به ویژگی‌های هنجارها (هماهنگی، وضوح، تناسب هنجار با منابع جامعه، سودمند بودن هنجارها) و ویژگی‌های هنجارپذیران (سن مخاطبان، نوع و سطح ادراک هنجارپذیران، تعلق

به خرده‌فرهنگ‌ها، قشر اجتماعی و مقاومت مخاطبان هنجاری اشاره شده است اما با ویژگی‌هایی که در این مقاله بدان اشاره شده اساساً تفاوت دارد

آنچه این پژوهش را از پیشینه متمایز می‌سازد، اول آن است که پیشینه د، مسأله پژوهش ما را در قرآن کاوش نموده است و پژوهش حاضر با محوریت نهج البلاغه است، پیشینه ج، به ارائه روش‌های جلوگیری از سقوط هنجارهای اجتماعی پرداخته به تعبیری بهتر رویکردی آسیب‌شناسانه و سلبی دارد، در صورتی که این پژوهش به دنبال چگونگی نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی و رویکردی ایجابی است، پیشینه ب نزدیکترین پژوهش به پژوهش حاضر است و تفاوت را می‌توان چنین بازجست که در ارائه روش‌ها صرفاً از دو سوی یکی نقش رهبران و دیگری نقش فعالیت‌های تبلیغی (ترویجی- رسانه‌ای) را بازتاب داده است و از ابعادی که در مقاله حاضر بدانها اشاره شده، سخنی به میان نیامده است. در پیشینه الف نیز مقاله مسأله محور پیش‌نرفته است و به طور کلی ابعاد مختلف موضوع هنجارهای اجتماعی را بررسی کرده، بنابراین نتوانسته روش‌های نهادینه‌سازی هنجارها را به طور مشخص پیگیری نماید.

### ۳. مفاهیم بنیادین پژوهش

#### ۱.۳ نهادینه‌سازی

نهادینه‌سازی از اصطلاحات مهم در علوم اجتماعی است و دلالت بر پایداری و ریشه‌ای شدن یک امر اجتماعی، مقبولیت و به رسمیت شناخته‌شدن آن در میان افراد جامعه دارد. جامعه‌شناسان آن را نوعی فرایند می‌دانند که طی آن اشکال منظم، بادوام و تا حد زیادی پیش‌بینی‌شده در کنش متقابل توسعه می‌یابد و برخی آن را فرایند تنظیم و الگوساختن روش‌ها و رویه‌های مصوب جامعه تعریف می‌کنند (گلابی، ۱۳۷۶: ۵۵). برخی آن را فرآیندی می‌دانند که با آن فعل‌ها تکرار شده و معانی مشابهی برای خود و دیگران پیدا می‌کند (ایروانی، ۱۳۸۰: ۵۹).

### ۲.۳ هنجار

در متون دینی نیز از هنجارها با کلید واژه‌هایی مانند سنت، حکم، عرف و دأب، ادب نام برده شده است» (آذرنوش، ۱۳۹۷: ۳۰۰). هنجار رفتار قاعده‌مند یا میزانی است که با آن رفتار اجتماعی افراد در جامعه سنجیده می‌شود. هر رفتاری که با آن تطبیق کند، بهنجار و اگر نسبت به آن تخطی کند، نابهنجار تلقی می‌شود (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۱۶۷). در حقیقت هنجارها مهمترین مؤلفه زیست جهان مشترک است آن‌چه که به اعضای جامعه دیدگاه‌های مشترک می‌دهد، در واقع همان باورها و ارزش‌ها هستند. اما نظام باورها و ارزش‌ها به ما نمی‌گویند که چگونه بایستی رفتار کرد از این رو هنجارها برای جبران این کمبود شکل می‌گیرند، از این جهت می‌توان اذعان کرد که هنجارها در قالب قوانین مدون یا سنت‌ها یا آداب و رسوم اجتماعی است که عینیت می‌یابند. لذا نظام هنجاری در تماس مستقیم با تنظیم رفتار قرارداد. امام علی (ع) در مورد نقش اشتراک هنجاری در ایجاد پیوندهای اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی می‌فرماید: «تشابه و نزدیکی مردم در اخلاق و رسوم مانع نزاع و کینه‌های آنان می‌شود». (نامه ۵۳/). پیدایش یک هنجار از ارزش‌های درونی یک فرد آغاز می‌شود و از طریق رفتارهای یک‌پارچه تداوم می‌یابد. به عبارتی دیگر ارزش‌ها و باورها منابع بالقوه‌ای هستند در جهت ایجاد هنجارها (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۷: ۳۰۱). چنانچه گفته شد هنجارها صورت عملی باورها و ارزش‌هاست در صورتی که باورها و ارزش‌های رایج در جامعه مبتنی بر توحید باشند هنجارها ماهیت الهی و دینی دارند. سنخ دیگری از هنجارها، هنجارهای اجتماعی است که منشأ وضع آن جامعه است، اگر چنین هنجارهایی در جامعه دینی مبتنی بر سنت‌های الهی و آداب و رسوم پسندیده اجتماعی باشد، قواعد رفتاری مطلوبی را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند که در صورت عمل به موجب تسهیل روابط، انتظام اجتماعی و پیش‌بینی رفتارها می‌شود.

### ۳.۳ سرمایه اجتماعی

برجسته‌ترین نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی «کلمن» پژوهشگر جامعه‌شناسی است. از نظر وی یکی از منابع سرمایه اجتماعی، هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر آن است: وی می‌گوید: هنجارها با ضمانت اجرایی شکل دیگری از سرمایه اجتماعی است. به عقیده وی هنجارها

از طرق مختلف مانند سرمشق‌شدن، جامعه‌پذیری، کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند. (کلمن، ۱۳۷۷:۳۸۱).

پانتام، اندیشمند آمریکایی از دیگر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. به بیان او: «سرمایه اجتماعی، به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید (توسلی، ۱۳۸۴:۱۴). در این تعریف وی، اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی را منابع سرمایه اجتماعی تلقی می‌کند و تسهیل‌کنش را مهمترین کارکرد سرمایه اجتماعی معرفی نموده است.

فرانسیس فوکویاما می‌گوید: «سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم باشند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند (فوکویاما، ۱۳۸۴:۱۰). با توجه به عبارت فوق از نظر وی تنها هنجارهایی شالوده سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند که در ایجاد و افزایش همکاری در گروه مؤثر باشند و با فضایی چون درست‌کاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن در انجام وظیفه و امثال آن در ارتباط باشند (فوکویاما، ۱۳۸۴:۱۶۹).

### ۴.۳ ارتباط بعد هنجاری با سرمایه اجتماعی

چنانچه بدون تفاهم در زمینه باورها و اعتقادات و ارزش‌ها، سرمایه اجتماعی شکل نمی‌گیرد، بدون هنجار نیز فعالیت یافتن سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر نیست. چنانچه در تعریف «سرمایه اجتماعی» بیان شد، سرمایه اجتماعی «یعنی قاعده‌مندی روابط و اصول رفتارهای انسانی». به عبارتی در یک تحلیل «سرمایه اجتماعی عبارت است از: همان نظام اعتقادات، باورها و ارزش‌ها، هنجارها که بر اساس آن اعتماد و نظم اجتماعی صورت می‌گیرد. به صورتی که هرچیز در جای مناسب خویش قرارگیرد. بنابراین بحث از هنجار نیز به عنوان یکی از منابع آن قواعد و قوانین لازم و مناسب برای استقرار مطلوب امور در چنین جایگاه‌هایی می‌باشد. با این تحلیل هرچه سرمایه اجتماعی در میان کنش‌گران اجتماعی وجود داشته باشد، بهنجار است و آن‌جا که سرمایه اجتماعی وجود نداشته باشد و

انواع کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی وجود داشته باشد، ناهنجار است به همین دلیل چون در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی موجود بالا باشد، بیانگر هماهنگی اجرای سیستم و کارکردهای آن است. (صدیق سروستانی ۱۳۸۹: ۸۶). می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی و هنجار هر دو یک روی سکه‌اند؛ هر جا انحرافات در جامعه‌ای موجود باشد؛ حاکی از ناهنجاری است و این یعنی فقدان سرمایه اجتماعی. اگر در شبکه ارتباطی میان افراد جامعه، افراد هنجارها به راحتی زیر پا گذارند و یا نادیده بگیرند نمی‌توان از سرمایه اجتماعی در آن جامعه سخنی به میان آورد. با این توصیف از رابطه میان سرمایه اجتماعی و هنجارها به نظر می‌رسد که پرداختن به مبحث هنجارها به عنوان یکی از مؤلفه‌های تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر باشد که بایستی به آن توجه ویژه داشت.

#### ۴. کارکردهای هنجارهای اجتماعی

۱. انتظام اجتماعی: هنجارها باعث حفظ و ثبات و نظم جامعه، منظم کردن اعمال، به قالب درآوردن رویه‌ها و طبعاً تثبیت و تحکیم رفتاری است. پس هنجارها نقش مهمی در حیات و تداوم جامعه بازی می‌کنند. زیرا با استقرار و استحکام آن‌ها جامعه شکل واحدی می‌یابد و انتظام می‌پذیرد و بدون مانع به حرکت خود ادامه می‌دهد (بنیاد نهج البلاغه، ۵۱).
۲. سازگار کردن کنش‌های افراد جامعه: به جهت برخورداری هنجارها از فشارهای رسمی و غیر رسمی افراد ناگزیرند، رفتارهای خود را با الگوهای مورد قبول جامعه هم‌سو سازند. (افروغ، ۱۳۷۹: ۸۶).
۳. پیش‌بینی کنش‌ها: هنجارها از طریق سامان‌دهی کنش‌ها و رفتارها و اعمال ما، بستری مناسب برای اعمال و رفتار هم‌گون برای عاملان اجتماعی فراهم می‌کنند. (همان: ۲۵).

#### ۵. مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی هنجارها از دیدگاه امام علی(ع)

جهت نهادینه‌سازی هنجارهای اجتماعی به عنوان مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی بایستی به ویژگی‌های هنجارهای اجتماعی دقت نظر داشت. استقرار یک پدیده به عنوان هنجار در یک جامعه مستلزم ویژگی‌های خاصی است. چنان‌چه بدون در نظر گرفتن این موارد

هنجارهای اجتماعی نهادینه نمی‌شوند و افراد نسبت به آنها از خود حساسیت نشان می‌دهند و در نتیجه خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دانند.

## ۱.۵ مؤلفه‌های مرتبط با ویژگی هنجارها

### ۱.۱.۵ عادلانه بودن هنجار زمینه‌ساز نهادینه‌سازی

در کیهان شناسی امام علی(ع) فرایند عدالت با اسم عدل خداوند در عبارت «أَشْهَدُ أَنَّهُ عَدْلٌ» آغاز می‌شود و تا جزیی‌ترین شئون حیات بشر امتداد می‌یابد. امام علی(ع) در مورد عدل الهی می‌فرماید: «خداوند درباه مخلوقاتش به عدل و داد رفتار می‌کند و به عدالت حکم می‌نماید(نهج البلاغه:خطبه/۱۸۵). و از آنجا که انسان بر فطرت الهی آفریده شده به حکم عقلش، ظلم به دیگران را قبیح می‌داند و عدالت را حسن تلقی می‌کند(صانع پور، ۱۳۹۸:۸). از این رو هنجارهای اجتماعی مبتنی بر عدالت، ایجاد برابری می‌کند. به همین دلیل در اندیشه علوی مهمترین شاخصه هنجارهای مطلوب عادلانه بودن آنها است. بدیهی است که در صورت ناعادلانه بودن هنجارها، هرگز نمی‌توانند در جامعه اثرگذار باشند که در این صورت سرپیچی از هنجارهای غیرعادلانه صورت می‌گیرد و با نافرمانی از آن بسیاری از انحرافات و کجروی‌های اجتماعی رخ خواهد داد و نتیجه آن چیزی جز بی‌اعتمادی و گسست‌های اجتماعی نیست. هنجارهای ناعادلانه به اجبار و زور قانون هم نمی‌توان آن را به مرحله اجرا درآورد. باتوجه به اینکه در همه جوامع تنوعات فرهنگی به(اعتبارات دینی، قومی، زبانی، مذهبی) حضور دارند، به همین دلیل امام علی(ع) رعایت عدالت را با تمامی خرده‌فرهنگ‌ها در دستور کار خویش قرار دادند به مالک اشتر توصیه کردند:

مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر (نهج البلاغه:نامه ۵۳).

چنانچه به مالک اشتر فرمودند:«عدالت را با اهل ذمه اجرا کن به مظلوم حق بده و به ستمگر سخت بگیر»(نامه ۵۳). همچنین وقتی از رفتار حاکم فارس نسبت به زردتشتیان باخبر شد او را ملامت کرد (همان:نامه ۱۹). بنابراین هیچکس نباید به بهانه جنسیت،

فرهنگ و دین مورد ستم قرارگیرد. عدالت‌ورزی نسبت به همگان در منظومه فکری ایشان نمود زیادی داشته است. این هنجار در برابر دوست و دشمن می‌تواند مورد استفاده قرارگیرد و از نظر همه مکاتب قابل قبول است و برداشتی کاملاً مطابق با سرمایه اجتماعی است.

#### ۲.۱.۵ هماهنگی و همسویی هنجار با نیازهای ذاتی انسان، پیشران نهادینه سازی هنجار

هنجارها بایستی از ویژگی خاصی برخوردار باشند تا توان نهادینه‌شدن را داشته باشند و آن هم‌سویی با نیازهای انسان است تا به بهزیستی منجر شوند. از یکسو اگر هنجارها با نیازهای فیزیولوژی انسان هم‌سو نباشد، چندان قدرت نهادینه شدن را ندارند. به دلیل تقدم نیازهای مادی بر نیازهای معنوی در صورت نادیده‌گرفتن نیازهای مادی، اصولاً نیازهای معنوی انسان به مرحله ظهور نمی‌رسد. چنان‌چه منشأ بسیاری از انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی ریشه در فقر و ناتوانی در پاسخ به نیازهای مادی انسان است. هرچند لزوماً فقر باعث ناهنجاری نمی‌شود

پرونده‌های موجود آمار جرائم در همه جای دنیا نشانگر تأیید این مسأله است که افراد فقیر به کارهای خلاف از جمله سرقت، و اعمال منافی عفت روی آورند. همچنین ممکن است از طرف سودجویان نیز مورد سوء استفاده قرار بگیرند. زیرا آنان را به بهای اندکی خریده و به کارهای خلاف سوق می‌دهند (شاکر، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

حضرت (ع) می‌فرمایند: «تنگی و فشار زندگی خوی و خصلت‌ها را زشت می‌گرداند و رفقا را به وحشت اندازد» (غررالحکم، ج ۲/ ۹). همچنین به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «انسانی را که طلب روزی خود می‌کند سرزنش مکن، چه هرکس روزی خود و خانواده خود را نداشته باشد، خطاهایش افزون می‌گردد. (نهج البلاغه: نامه ۳۱). این بیانات امام (ع) حاکی از آن است که فقر در انحرافات اجتماعی نقش بسیاری مهمی دارد. زیرا پیامد فقر مانع تشخیص صحیح در هنجارها می‌شود در نتیجه باعث اختلال در مسیر رفتار بهنجار است. زیرا هنجارهای موجود بر جامعه را بر علیه خویش تصور می‌کنند و نتیجه آن‌که در صورت ناهماهنگی نظام هنجاری با نیازهای زیستی احتمال نهادینه‌شدن آن به حداقل می‌رسد.

از سوی دیگر اگر نظام هنجاری مطابق با نیازهای معنوی باشد، هنجارهای ایجابی چون صداقت، تعهد، احسان و نیکی، و سایر هنجارهای دیگر نهادینه می‌شود. بدون شک اسلام

جهان مادی و زیست در آن را - ولو بهزیستی در حد اعلی را - شایسته این که کمال مطلوب انسان قرارگیرد، نمی‌داند، زیرا مقام انسان و ارزش‌های عالی انسان برتر و بالاتر از این است که خویشتن را بسته و اسیر و برده مادیات این جهان نماید امام علی (ع): «دنیا چه خوب خانه‌ای است برای آن‌کس که آن را جاودانه نپندارد، و خوب محلی است برای آن‌کس که آن را وطن خویش انتخاب نکند» (نهج البلاغه: خطبه ۲۲۳). زیرا از نظر مکتب‌های انسانی هر چیزی که انسان را به خود ببندد و در خود محو نماید بر ضد شخصیت انسانی است، زیرا او را راکد و منجمد می‌کند، سیر تکاملی انسان لامتناهی است و هرگونه توقیفی و رکودی بر ضد آن است. پس اگر انسان تنها طفیلی دنیا باشد موجب محو و نابودی تمامی ارزش‌های اخلاقی عالی انسان می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۳: ۲۶۶). به همین دلیل ارزش‌ها و نظام هنجاری بایستی با نیازهای معنوی انسان هماهنگ و همسو باشند تا باعث خلق سرمایه اجتماعی شود.

### ۳.۱.۵ پایداری و تداوم یک هنجار، کمک رسان نهادینه سازی هنجار

یکی از مهم‌ترین ویژگی هنجارها، تداوم و پایداری است. هرچه قدر هنجارها از سابقه بیشتری برخوردار باشند، قدرت نهادینه شدن دارند. حضرت (ع) به مالک اشتر سفارش کرده‌اند: «آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن، و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدیدنیاور» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). هرچه هنجارهای اجتماعی از استمرار و ثبات بیشتر برخوردار باشند، رفتارها پیش‌بینی‌پذیر می‌شوند.

به عبارتی قطار جامعه بر روی ریل این قوانین و آداب و رسوم نهاده شده است. بنابراین همان‌گونه که بسیاری از نظام اعتقادات و باورها، ارزش‌ها و هنجارها بایستی مبتنی بر علم و مستدل باشد، اعتقادات مبتنی بر سنت نیز مورد تأیید امام قرار گرفته است. سست‌های نیکی که بایستی مراقبت و حفظ شود و مطابق با آن رفتار شود (مصدقیان، ۱۳۸۷: ۱۴).

لذا از هرگونه بدعت‌گذاری نهی شده است. زیرا هر بدعتی نقض هنجار قبلی است این موضوع مورد عنایت امیرالمؤمنان (ع) قرار گرفته است: «هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود مگر آن که سنتی ترک گردد، پس از بدعت‌ها بپرهیزید، و با راه راست و جاده آشکار حق

باشید، نیکوترین کارها سنتی است که سالیانی بر آن گذشته و درستی آن ثابت شده باشد و بدترین کارها آنچه که تازه پیدا شده و آینده آن روشن نیست. (همان:خطبه ۱۴۵)، متولیان بدعت‌ها رجالی هستند که سعی در ایجاد تردید و حذف باورهای حاکم بر جامعه رادارند و به دین خدا اهمیتی نمی‌دهند از این رو امام(ع) بدعت‌های مخالف با دین را منشأ فتنه می‌داند: «همانا آغاز پدیدآمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت‌گذاری در احکام آسمانی است، نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است، و گروهی «با دو انحراف یاد شده» بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که بر خلاف دین خداست» (همان:خطبه ۵۰). «ریشه بسیاری از فتنه‌ها دو چیز است: پیروی از هوای نفس و احکام دروغین خود ساخته که مخالف با کتاب خداست و بی‌شک اگر احکام قرآن در میان مردم باشد و اصالت قوانین اسلام حفظ شود و بدعت‌های ناروا در دین خدا نباشد و اصالت قوانین ناب الهی و هوی و هوس‌ها حاکم نشود فتنه‌ای پدید نخواهد آمد چرا که این قوانین مجری عدالت و حافظ حقوق همه مردم، بیان‌گر وظائف است، فتنه آن زمان شروع می‌شود که قوانین الهی در مسیر مطامع شخصی تحریف شود حق و عدالت زیر پا بماند و افراد و گروه‌ها وظایف خود را فراموش کنند و به بدعت‌ها روی آورند در واقع در آن‌جا که با تحریف و تفسیرهای غلط به هوی و هوس خود می‌رسند، به سراغ آن می‌روند و هر جا نیاز به جعل احکام تازه‌ای دیدند؛ دست به دامن بدعت می‌زنند بنابراین بی‌اعتنایی به هنجارهای حاکم بر جامعه و سنت‌های موجود و بدعت‌گذاری سبب می‌شود که مردم در پذیرش آن دچار دوگانگی شده و جامعه به سمت انحرافات پیش رود. (مکارم شیرازی ۱۳۸۲: ج ۲ / ۵۶۲). البته علاوه بر پایداری هنجارها، نیکویی هنجارها است که باعث تداوم و ثبات هنجارها می‌شود. زیرا نقض هنجارهای نیکو و همین‌طور وضع هنجارهای مغایر با آن باعث می‌شود که الفت و هم‌بستگی اجتماعی کاهش یابد. بنابراین نه تنها ثبات هنجاری شرط لازم نیل به تفاهم هنجاری است بلکه ریشه در نیکوبودن یک هنجار دارد.

#### ۴.۱.۵ هماهنگی هنجارها به مثابه یک مؤلفه نهادینه ساز هنجارها

از دیگر عوامل مهم در جهت نهادینه‌سازی هنجارها هماهنگی هنجاری است. یعنی هنجارهای ناظر به یک موقعیت باید ضمن هماهنگی با یکدیگر در تعارض با یکدیگر نباشند. زیرا در صورت عدم هماهنگی افراد دچار دوگانگی هنجاری می‌شوند. چنان‌چه امام

علی(ع) در توصیف دوگانگی در جامعه جاهلی این موضوع را به خوبی معرفی کرده و فرموده‌اند:

مردم در فتنه‌ها گرفتار شده، رشته‌های دین پاره شده و ستون‌های ایمان و یقین ناپایدار بود. در اصول دین اختلاف داشته، و امور مردم پراکنده بود، راه‌رهایی دشوار و پناهگاهی وجود نداشت، چراغ هدایت بی نور، و کور دلی همگان را فرا گرفته بود. خدای رحمان معصیت می‌شد و شیطان یاری می‌گردید، ایمان بدون یاور مانده و ستون‌های آن ویران گردیده و نشانه‌های آن انکار شده، راه‌های آن ویران و جاده‌های آن کهنه و فراموش گردیده بود. مردم جاهلی شیطان را اطاعت می‌کردند و به راه‌های او می‌رفتند و در آبخور شیطان سیراب می‌شدند. با دست مردم جاهلیت، نشانه‌های شیطان، آشکار و پرچم او برافراشته گردید. فتنه‌ها، مردم را لگدمال کرده و با سم‌های محکم خود نابودشان کرده و پا برجا ایستاده بود. (نهج البلاغه:خطبه ۲).

«ازیک سو فتنه‌های شیاطین و وسوسه‌های هواپرستان، رشته‌های ایمان را پاره کرده بود. از سوی نابسامانی، سراسر جامعه را فراگرفته بود و آتش اختلافات از هر سو زبانه می‌کشید. . . در آن زمان حتی پایه‌های فطرت انسانی و اصول شناخته‌شده فطری مانند توحید و عشق به نیکی‌ها و پاکی‌ها همه متزلزل شده بود و نظام ارزشی و هنجاری جامعه بسیار متفاوت گشته و هر گروهی با معیار جداگانه‌ای با مسائل برخورد داشتند و این عامل اساسی تشتت امور بود و مردن در همه ارزش‌ها و هنجارهای چه در امور اجتماعی، چه امر دین و دنیا، چه مسائل مربوط به اجتماع و چه خانواده، چه مسائل اقتصادی یا اخلاقی با تشتت و پراکندگی روبرو بودند (مکارم شیرازی ۱۳۸۲:ج ۱/۲۸۴). و این موضوع باعث تضعیف انسجام و روابط اجتماعی شده و در نتیجه سرمایه اجتماعی را به شدت تضعیف می‌کرد.

### ۵.۱.۵ شفافیت هنجارها و تاثیر آن در نهادینه سازی

یکی از مهم‌ترین راه‌های نهادینه‌سازی هنجارها در اجتماع بشری شفافیت هنجارهاست. زیرا یکی از دلایل روی نیاوردن افراد به رفتارهای هنجار و درونی نشدن هنجارها نداشتن تصویری درست از هنجارها و مزایا و معیارهای آن است (خسروی و باقری، ۱۳۸۷:۹۲). هنجارها باید به قدری روشن و بی‌پرده باشند که هماهنگی آن در رفتار کنش‌گران اجتماعی هویدا باشد. به همین دلیل در خصوص هنجارهای قانونی، هنجارسازان باید به گونه‌ای هنجارهای قانونی را وضع نمایند که از شفافیت و وضوح کافی برخوردار باشند که در این

مورد امیرالمؤمنان(ع)، به هنجارسازان دستور می‌دهد که در این مورد به کتاب قرآن و سنت پیامبر رجوع کنند: (نهج البلاغه: خطبه ۱۸) و در مورد هنجارهای اجتماعی نیز بایستی به عرف رجوع کرد: «نیکوترین کارها سنتی است که سالیانی بر آن گذشته و درستی آن ثابت شده باشد» (همان: خطبه ۱۴۵). زیرا عرف اجتماعی به ما می‌آموزد که چگونه باید رفتار کرد و می‌تواند مفسر بسیاری از هنجارهای اجتماعی باشد که نتیجه آن رفتارهای منطبق با دیگران است. بنابراین رفتارهایی که عاملان اجتماعی در ارتباطات و مناسبات اجتماعی انجام می‌دهند در گرو شفافیت و تصویر روشن از هنجارها است که توسط دین، عقلاء و قانون‌گذاران و عرف اجتماعی به افراد آموخته می‌شود. به عبارتی اگر افراد مرزهای مخدوشی را که بین فضایل و رذایل است به خوبی تشخیص ندهند، دچار حیرت و سرگردانی شده در نتیجه رفتارهای متفاوت از خود بروز می‌دهند و امکان نهادینه‌شدن هنجارها به شدت کاهش می‌یابد.

#### ۶.۱.۵. ابتناء هنجارها بر حق، عنصر مهم در نهادینه‌سازی هنجارها

اصل حق مطابقت و موافقت و حقیقت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱/۱۲۵). در بینش معرفتی امام علی(ع) یکی از راههای نهادینه سازی هنجارها ایستادگی برای حق است به همین دلیل آن حضرت(ع)، تنها حق را بسیار گوارا توصیف می‌کنند: «حق سنگین اما گواراست، و باطل، سبک اما کشنده» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۶). از دیدگاه امام علی(ع) محور اصلی حق گرا بودن است به همین دلیل فرمودند: «کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد» (حکمت ۸۹). زیرا در بینش امام علی(ع) سازگار بودن با جامعه به تنهایی مهم نیست بلکه تنها حق محوری مهم است. این ویژگی رفتاری در جهت رشد ارزشهای اخلاقی بسیار دشوار است و تنها افرادی که از هوش اخلاقی برخوردار باشند می‌توانند از این خصلت برخوردار باشند به همین دلیل ایشان می‌فرمایند: «به خدا سوگند در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در ستم و ضلالت غوطه ور هستند یک لحظه مدارا نمی‌کنم» (همان: خطبه ۲۴). همچنان فرمودند:

آنگاه که همه از ترس سست شده کنار کشیدند من قیام کردم و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند من به میدان آمدم و آن زمان که همه لب فرو بستند من سخن گفتم و آن وقت که همه ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم (همان: خطبه ۳۷).

این مؤلفه مهم می‌تواند منشأ نهادینه‌سازی بسیاری از هنجارهای اخلاقی باشد و از بسیاری از ناهنجاری‌ها جلوگیری کند.

### ۷.۱.۵. ابتناء هنجارها بر عقل، عامل نهادینه‌سازی هنجار

عقل و تدبیر یکی از مهمترین موضوعاتی است که به وفور در کلام امام علی(ع) یافت می‌شود و به عنوان سودمندترین اموال(حکمت/۱۱۳)، فهم حقایق(خطبه/۱۰۶)، وسیله نجات(حکمت/۴۰۷)، درک دستورات دینی(خطبه/۲۳۹)، وسیله هدایت(خطبه/۱۴۴)، بهترین علوم(حکمت/۱۱۳)، عامل رفع انحرافات(خطبه/۱۴۴)، تدبیر کننده امور(حکمت/۱۱۳) بیان شده است،

هنجارهایی که در سایه عقل و خرد ورزی حاصل شده باشند، دارای قدرت نهادینه شدن هستند. و به آسانی مورد پذیرش افراد جامعه قرار می‌گیرد. از نظر امام(ع) میان عقل و ادب(هنجار) رابطه عمیق وجود دارد: «الأدبُ فی الإنسان کَشَجَرَه أصلُها العقلُ»(غررالحکم، ۱۳۶۸:ج ۲/۱۰۹) مفهوم این سخن ارزشمند آن است که رفتار نیکو ریشه در خردورزی دارد و این گونه نیست که فرد مسلمان بدون آراستگی به خردورزی بتواند رفتار مناسب داشته باشد. از آنجا که سعادت انسان در گرو انتخاب درست است؛ در تعبیری از آن حضرت عقل به سان وجود مجرد و نوری دانسته شده است که انسان به مدد آن خوب و بد اعمال را درک می‌کند بی آن‌که به آموزش نیازی داشته باشد: «در دل انسان نوری قرار دارد که واجب و مستحب و خوب و بد را می‌فهمد. همانا عقل در دل همچون چراغ در وسط خانه است(مجلسی، ۱۳۶۳:ج ۱، ۹۹). در این حدیث تأکید شده که انسان با عقلی که فطری و غیر اکتسابی است خوب و بد را می‌فهمد(الهی و دیگران ۱۳۹۴:۴). نقش عقل و خرد ورزی چنان مهم است که در کنار تقوا ذکر شده است «خطبه/۸۳». زیرا تفکر توأم با تقوا همواره مهمترین وسیله تشخیص سره از ناسره است. «در ارزش عقل و خرد همین بس که راه جهالت و فساد را رشد و کمال مشخص می‌سازد(حکمت/۴۲۱). بنابراین اگر بشر به بالاترین پیشرفت‌ها نائل آید اما عاقل نمی‌گردد مگر آنکه عقل و عمل در راستای خیرخواهی و صلاح بشری به کار رود.(مغنیه، ۱۹۷۲:ج ۴، ۴۶۰).

در نگاه امیرالمؤمنان(ع)، آن‌چه اخلاق اجتماعی انسان را مختل می‌کند؛ پیروی از هوای نفس است: «أفه العقل الهوی»(غرر الحکم:ج ۶، ۶۴). منظور از هوای نفس، خالی بودن،

سقوط کردن فرد است و از این رو تمایلات نفسانی را هوی نامند که از هرگونه خیر و نیکی تهی است (مصطفوی، ۲۹۹، ۱۴۰۲). زیرا پیروی از هوای نفس آفت عقل و گسترش فساد و گمراهی و نپذیرفتن حق و هنجارشکنی است: «مَنْ رَخُصَ لِنَفْسِهِ ذُهَبَتْ بِهِ فِي الْمَذَاهِبِ الظُّلْمُ» (همان، ۷۵۰). پیروی از خواهش‌های نفسانی از مهمترین عوامل در تخریب هنجارهای اجتماعی است. زیرا در صورت مسلط شدن نفسانیات بر انسان، فرد دچار هیجانات درونی می‌شود و مانع کنترل او می‌شود و اگر این نیرو بر عقل و خرد پیشی بگیرد او را به پرتگاه‌های سقوط می‌کشاند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ۳۷۷). بنابراین همت تربیتی باید بر این باشد که قوای گوناگون انسان (وهم، غضب و شهوت و...) و عواطف و احساسات آدمی تحت حاکمیت عقل باشد که اگر این‌ها زیر پوشش عقل هدایت شوند، هرکدام در جای خود واقع می‌شوند و هماهنگی و موزونی کامل میان قوا و عواطف و احساسات آدمی برقرار می‌شود. در این صورت است که انسان در روابط اجتماعی در عین رحمت و محبت از صلابت نیز برخوردار می‌شود و هریک را در جایی درست به کار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۱۲۰). هم‌چنین گمراهی و عدم پذیرش عقل، عامل کجروی و انحرافات اجتماعی است که این عاملی مهم در نقض سرمایه اجتماعی است. زیرا با کاهش عقلانیت و غلبه شدن هوی و هوس میزان درک درست و بینش صحیح از قواعد و منافع جمعی کاهش می‌یابد و باعث تضعیف هنجارهای اجتماعی می‌شود. لذا گمراهی و برخلاف عقل عمل کردن عامل کجروی اجتماعی است به همین دلیل در اندیشه انسان‌شناختی امام علی (ع) بر عقل‌گرایی تأکید شده است.

## ۲.۵ مؤلفه‌های مرتبط با مخاطبان هنجارها

علاوه بر موارد فوق که در جهت نهادینه‌سازی هنجارها مهم به نظر می‌رسید و به خصوصیات هنجارهای اجتماعی از نگاه امام علی (ع) توجه داشت افراد انسانی در جامعه باید از ویژگی‌هایی در روابط و تعاملات اجتماعی برخوردار باشند، تا به اجرائی شدن و تقویت و نهادینه‌شدن هنجارهای اجتماعی بیانجامد. در نگاه امام علی (ع) این ویژگی‌ها عبارتند از:

### ۱.۲.۵ التزام مخاطب به باورهای توحیدی: ریشه نهادینه‌سازی هنجارها

یکی از ویژگی‌های اسلام در اندیشه امام علی (ع) ارتباط وثیقی است که میان اجزای آن حاکم است، ریشه تمام عقاید و افکار پاک و اعمال صالح توحید است همچون یک دانه تسبیح در مقابل دیگر دانه نیست بلکه همچون ریسمانی است که همه دانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۹). چنان‌چه امام (ع) فرمودند: «شهادت می‌دهم به یگانگی خداوند... زیرا شهادت به یگانگی خدا، نشانه استواری ایمان، بازکننده درهای احسان، مایه خشنودی خدای رحمان، و دورکننده شیطان است (خطبه ۲)» به تعبیری امر توحید در افراد جامعه و روابط انسانی منجر به بروز فضایل اخلاقی می‌شود و دقیقاً همین فضائل اخلاقی هستند که سرچشمه‌های رفتارهای بهنجار و مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای توحیدی در افراد جامعه هستند. باورهای توحیدی هستند که در صورت درونی شدن، در افراد جامعه ملکات نفسانی مستعد برای بروز رفتارهای حسنه و مطابق با اخلاق توحیدی را فراهم می‌آورند. این باورها به سان نیروی قدرت‌مندی افراد جامعه را به انجام افعال متناسب با آن ترغیب می‌کنند. انسان با اندیشه توحیدی به معبود خویش عشق می‌ورزد و می‌داند که به تعهدی که با خدای خویش بسته وفا کند، خدای سبحان به او وفادار خواهد بود چنان باوری اجازه نمی‌دهد که به جای عدالت، سخاوت شخصیت خویش را به جبن و حرص و بخل آلوده سازد امیر المؤمنان (ع) می‌فرمایند: «بخل والحرص وترس اخلاقی هستند که سرچشمه آن بدگمانی به خداست (نامه ۵۳)». اگر انسان به خدا حسن ظن و یقین داشته باشد خواهد دانست که اجل انسان و رزق و روزی او مقدر است و می‌داند که همه این امور به خواست خدا وقوع می‌پیوندد.

### ۲.۲.۵ پذیرش هنجار از سوی الگوهای مرجع و نقش آن در نهادینه سازی

افراد در مواقعی از الگوهای خاصی که به عنوان الگوهای مرجع وی است، تأثیر می‌پذیرند و ارزش‌های و هنجارهای آنان را ناخودآگاه در شخصیت خود درونی ساخته و با آن هم‌نوا می‌شوند. بدیهی است این الگوهای مرجع در سازندگی فرد و جامعه در نظام اجتماعی تأثیرگذارند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «آگاه باشید برای هر اقتداکننده‌ای امامی است که به آن اقتدا می‌کند و از نور علمش بهره می‌گیرد» (نامه ۴۵). به همین دلیل افرادی که به عنوان منابع الگو معرفی می‌شوند، بایستی به ویژگی‌هایی مانند صداقت، پرهیزگاری،

دگرخواهی، عدالت‌خواهی و متصف باشند. لذا امام فرموده‌اند: «هرکس که خود را پیشوای مردم سازد باید بیش از تعلیم دیگران به تعلیم خویش پردازد و باید تربیت‌کردنش، پیش از آنکه با زبانش باشد، با سیرت و رفتارش باشد» (حکمت/۷۳). ائمه هدی همواره خود را بهترین الگو معرفی کرده‌اند: «نَحْنُ النُّمُرُقَةُ الْوُسْطَى بِهَا يَلْحَقُ التَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْعَالِي: ما تکیه گاه میان‌ه‌ایم، عقب‌ماندگان به ما می‌رسند، و پیش‌تاختگان به ما باز می‌گردند». (حکمت/۱۰۹). این سخن را امام (ع) درباره کردار کسانی که اهل افراط و تفریط‌اند بیان کرده است. جامعه دینی که محورش تعلیم قرآن است تکیه‌گاه آن رهبران الهی هستند و جامعه دینی در صورتی می‌تواند اجتماعش سرمایه باشد که جمع بر محور اعتدال باشد.

واژه «نمرقه» در این عبارت، به معنای بالشت است و اهل بیت به دلیل تکیه بر آنان در امور دین بیشترین شباهت به بالشت (تکیه‌گاه) را دارند. اگر بر بالشت به دلیل راحتی پشت و اعتماد و آرامش اعضا تکیه می‌شود و امام علی بالشت را به وسطی توصیف کرده است؛ زیرا بقیه بالشت‌ها به آن بالشت وسط تکیه می‌کنند پس گویا بالشت‌ها به همان بالشت وسط یا بی‌واسطه یا با واسطه بالشت‌های دیگر تکیه می‌کنند و اهل بیت همان صراط اعتدال و وسط هستند که کسانی که کوتاهی کرده‌اند عقب مانده‌اند باید به آنها ملحق شوند و کسانی که غلو کرده پیش افتاده‌اند باید به آنان برگردند (عبد، بی تا: ج ۳، ص ۲۷۵). اهل بیت (ع) گرانیگاه و نقطه اتکا جامعه‌اند بدون اینکه تکیه‌گاه جامعه به افراط و تفریط دچار خواهد شد. از این رو هنجارها در صورتی نهادینه می‌شوند که تحت هدایت و رهبری معصوم قرار گیرند. امامت به رابطه میان رهبر و پیروانی اشاره می‌کند که رهبری او را پذیرفته‌اند. زیرا امام در عالم معنا و ماده در روابط اجتماعی پیروان خود دخالت دارد. بنابر اعتقاد شیعه ولایت از هر امر دیگر در اسلام اهمیت بیشتر دارد. بر همین اساس امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «شما مردم به وسیله ما، از تاریکی‌های جهالت نجات یافته و هدایت شدید، و به کمک ما، به اوج ترقی رسیدید. صبح سعادت شما با نور ما درخشید» (نهج البلاغه: خطبه ۴). (اشاره به اینکه چون رهبری صحیح باشد و بر پایه علم و دین استوار باشد جامعه آلوده بدکار گرفتار معصیت و فساد نیز اصلاح می‌گردد و به جامعه‌ای پاک و صالح و نیکوکار و درست‌کردار بدل می‌شود. پس اگر جامعه پیرو رهبری الهی و معصوم گشت و پیشوای خدا گفته را قبول کرد و تحت تعلیم‌ها و ارشادهای او قرار گرفت خدا آن جامعه و

آن مردم را ظلمات تاریکی و بی‌اعتقادی و گناه و رفتارهای نابهنجار رهایی می‌بخشد و به فضیلت و شایستگی و پاکی در می‌آورد (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۴۲۵). در مکتب علوی ولایت محوری کلید تولید و تقویت هنجارهاست براساس آن ریاست امور دین و دنیای مردم و تحقق بخشی به برنامه‌ها و دستورات الهی اعم از حکومت و اجرای احکام الهی تربیت و پرورش نفوس انسانی در ظاهر و باطن با انتصاب الهی، بر عهده امام قرار دارد (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۴). زیرا در منظومه فکری امام (ع) اهل بیت به منزله ستون دین تلقی شده‌اند: «کسی را با خاندان رسالت نمی‌شود مقایسه کرد... عترت پیامبر (ص) اساس دین، و ستون‌های استوار یقین می‌باشند» (نهج البلاغه: خطبه ۲). بنابراین کسی که با اولیای الهی دست بیعت دهد گویی با خداوند بیعت کرده است. چون اساساً نظام امامت و امام که انسان را به سوی خداوند دعوت می‌کنند. این موضوع همان راز پیدایش واحد و واجد سرمایه اجتماعی است. چنانچه حضرت نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند: «و «امامت» را برای سازمان یافتن امور امت، و «فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد» (همان: حکمت ۲۵۲). بنابراین شناخت و اعتقاد به جایگاه اهل بیت و نقش امامت می‌تواند در کاهش اختلافات و ایجاد یکپارچگی نقش بی‌بدیلی داشته باشد. زیرا اگر مبنای منش و بینش و ارزش‌های یک جامعه بر اساس اطاعت و پیروی از مرجعی متعالی و یکپارچه به نام ولایت باشد، تردیدی نیست که شبکه تعاملی جامعه به سمت وحدت، صداقت، محبت، و امنیت پیش خواهد رفت (پور رستمی، ۱۳۹۹: ۲۸۵). امام، میزان و معیار است. حق را از باطل جدا می‌کند تعادل و توازن اجتماعی را برقرار می‌کند خوبی‌ها با او سنجیده می‌شود راه‌ها با او تطبیق داده می‌شود با وجود شاخصه عصمت در امام مردم مطمئن خواهند بود که پیروی از امام رضایت الهی را برای آنان به همراه خواهد داشت. بنابراین مردم بایستی با پیروی حداکثری از امام در ساحت‌های اندیشه، قلب و رفتار در جهت اتصال با وی حرکت کنند. و هرکدام از افراد جامعه که بکوشند خود را در این سه حوزه به امام شبیه سازند و خود را مربی تربیت امام سازند، زیرا باعث نهادینه شدن هنجارها و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

### ۳.۲.۵ آخرت‌گرایی مخاطبان و نقش آن در نهادینه سازی هنجارها

آخرت‌گرایی مفهوم و کیفیتی است که در پی ایمان به آخرت و زندگی جاوید مطرح می‌شود. ایمان به جهان پس از مرگ باور به پایان و سرانجام اعمال انسانی، تصمیمات و

کردارها در اجرایی کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه نقش اساسی دارد. به عبارتی یکی از شگردهای نظارت ماورایی، توجه دادن به این نکته است که آخرت‌گرایی انسان را از تاریکی غفلت رهایی می‌دهد وی را به سوی اعمال نیکو سوق می‌دهد: فرموده‌اند: «ای مردم دنیا سرای گذرا و آخرت خانه جاویدان است. پس، اگر از گذرگاه خویش برای سر منزل جاودانه توشه برگیرید» (همان: خطبه ۲۰۳). همچنین فرموده‌اند «هرکس از شما در روزگاری که مهلت دارد به اعمال نیکو پردازد پیش از آنکه مرگ فرا رسد . . . .» (همان: خطبه ۸۶). از نظر فرد دین‌دار انسان هر عملی را که انجام می‌دهد، علاوه بر پیامدهای اخروی دارای پیامدهای دنیوی نیز می‌باشد که در هر صورت به صورت آشکار یا پنهانی، مستقیم یا غیرمستقیم آن را دریافت می‌کند. کسی که به خداوند متعال و روز رستاخیز، معتقد است، امکان ندارد نسبت به تعهدات خود و جان و مال و آبروی مسلمانان بی تفاوت باشد و یا حقوق دیگران را زیر پا گذارد و آبروی دیگران را هتک نماید. (همان: خطبه ۱۷۶).

#### ۴.۲.۵ اعتقاد به نظارت الهی عامل مؤثر بر نهادینه سازی هنجارها

اعتقاد به نظارت الهی نیز کنترل‌گر درونی دیگری است که نقش بسیار زیادی در نهادینه‌سازی هنجارها دارد. زیرا انسان همواره خود را در معرض دیدگان خداوند می‌بیند و عالم را محضر خدا می‌داند لذا او را به انجام کارهای نیک دعوت و رفتار و حرکات انسان را کنترل می‌کند. امام (ع) در این راستا فرموده‌اند

خداوند از اسرار پنهانی مردم و از نجوای آنان که آهسته سخن می‌گویند و از آنچه در فکرها به واسطه گمان خطور می‌کند و تصمیم‌هایی که به یقین می‌پیوندد و از نگاه‌های رمزی چشم که از لابلای پلک‌ها خارج می‌گردد. و از آنچه در مخفی‌گاه‌های دل‌ها است و امری که در پشت پرده غیب پنهان است و آنچه که در پرده‌های گوش مخفیانه می‌شنود، آگاه است (همان: خطبه ۹۱).

ویژگی بافت جامعه اسلامی انسانی امام علی (ع) در همین مشخصه است. در ارتباط با خداوند، خداوندی که حاضر و ناظر بر فرد و جمع است. لذا جامعه‌ای که خدا را حاضر و ناظر بر اعمال می‌بیند؛ تمام گفتارها و حرکات و کردار بر حول محور خداوند و رضایت خداوند صورت می‌گیرد و از این طریق به سمت رعایت هنجارهای اخلاقی سوق داده می‌شود.

### ۵.۲.۵ خودکنترلی افراد و نقش آن در موفقیت نهادینه سازی هنجارها

خودکنترلی در واقع به مثابه حالتی است که از درون کسی را به انجام و رعایت وظایفش رهنمون می‌سازد که در متون دینی تحت عنوان «تقوا» از آن یاد می‌شود. تقوا در کلام امام علی (ع) نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی سبب و مقدمه پدیدآمدن این حالت روحانی است (مطهری، ۱۳۹۳: ۱۹۹). تقوا مانند یک سپر درونی مانع از ارتکاب معاصی و آلودگی روح انسان است هرچه این اندیشه خودکنترلی در میان کنش‌گران اجتماعی از شدت و حدت بیشتری برخوردار باشد، پای‌بندی به اصول ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بیشتر است. افراد بدون اجبار و تهدید به هنجارها و وظایف خود متعهد هستند. این نوع نظارت از دو طریق پیش‌هشدار و خودکنترلی بیشترین تأثیر را بر رفتار از درون دارد. بسیاری از سخنان امیرالمؤمنین (ع) در این راستا است: «تقوا مانند مرکب‌های رهوار و مطیع و رام است که مهارشان در دست است و آن مرکب‌ها با آرامش سوارهای خود را به سوی بهشت می‌رانند» (نهج البلاغه: خطبه/۱۶). آدمی آن‌گاه که به این هشدارها آگاه باشد و آن‌ها را رعایت کند، قطعاً هنجارها و نظام ارزش‌ها را نقض نمی‌کند به همین ترتیب اعمال صالح زنجیروار یکدیگر را تعقیب می‌کنند. یک‌کار نیک سبب کار نیک دیگر آن هم به نوبه خود سبب اعمال صالح دیگر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱: ج ۱/۵۵۰). به تعبیری افراد با منبع کنترل درونی نسبت به رفتارشان احساس مسئولیت می‌کنند. در بینش علوی چون افراد مسئول گفتار و اعمال خویش‌تر هستند، لذا از آنان خواسته می‌شود تا نسبت به اعمال و رفتار خود با ملکه تقوا مراقب باشند. (التقی رئیس الأخلاق) (همان: حکمت/۴۱۰).

### ۶.۲.۵ آگاهی و علم افراد و نقش آن در نهادینه‌سازی

در اینکه معرفت و آگاهی در اخلاق و هنجارمند عمل کردن تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد، جای تردیدی نیست از این رو تعلیم مانند ریشه‌ای است که بر میوه تقدم دارد و برای تهذیب نفس نیز لازم و ضروری است. امام علی یکی از وظایف رهبران را معرفت‌بخشی به مردم دانسته: «أما حَقُّكُمْ عَلَيَّ... وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَجْهَلُوا» (خطبه/۳۴). زیرا جهالت انسان را از ادای شریعت دین و از مکارم دنیا و ارزش‌ها دور می‌سازد و به پستی‌ها سوق خواهد داد (مغنیه، ۱۹۷۲، ج ۱/۲۲۹). علم به مثابه راهبری عمل می‌کند که الگوهای رفتار و قواعد

هنجار را تعیین می‌کند: «الْعِلْمُ إِمَامٌ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ» (غرر الحکم، ۱۳۶۸: ج ۱، ۱۷۱). آن چه در پیش‌گیری از انحرافات اجتماعی عامل اساسی به شمار می‌رود؛ علم و دانش است: «بِالْعِلْمِ يَسْتَقِيمُ الْمُعْجُجُ: کج رفتاری‌ها به وسیله علم راست گردد» (غرر الحکم، ج ۳، ۲۱۰) در جای دیگر می‌فرماید: «تَمَرَهُ الْعِلْمِ الْإِتِّبَاهُ» (همان). بنابراین علم و معرفت پشتوانه‌ای استوار در رفتار اخلاقی انسان به شمار می‌رود.

اما امام علی (ع) فرمودند: «از علم هرآن چه پیش می‌آید بیاموزید و بپرهیزید که آن را برای چهارخصلت به کار ببندید: فخرفروشی به علماء، یا مناظره با نادانان یا خودنمایی در مجالس یا جلب توجه کردن مردم برای ریاست بر آنان» (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

براساس آمارهای موجود بسیاری از انحرافات اجتماعی و عامل اختلال سرمایه اجتماعی ریشه در جهل و ناآگاهی افراد دارد. پیروی از هوای وهوس: «الْجَاهِلُ مَنْ انْخَدَعَ لِهَوَاهُ وَ غُرُورُهُ: نادان، کسی است که فریفته هوا و وهوس و فریب‌های آن گشته است» (غرر الحکم، ۱۳۶۸: ج ۱، ۳۳۹). زمینه‌ساز دشمنی و خصومت: «الْجَهْلُ خَصْمٌ»: کانون فتنه جویی و انحراف: «الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ: نادانی، ریشه و اساس هر بدی است» (همان، ۱۳۶۸: ج ۱، ۲۰۵). جهل بنیان‌های نظم و همبستگی اجتماعی را دچار تزلزل می‌کند زیرا در افزایش ناهنجاری دخالت مستقیم دارد. جامعه‌ای که در نادانی و جهل سرگرم باشد نه دنیای سالمی دارد و نه در آخرت بهره‌ای دارد. اکثر قانون‌شکنان را افرادی نادان تشکیل می‌دهند. لذا کمک به افرادی که دچار استضعاف فکری و فرهنگی و آموزشی هستند اهمیت دارد.

#### ۷.۲.۵ پرهیز از فردگرایی و نقش آن در نهادینه سازی هنجارها

آدمی در پرتو ارتباط و تعاملات اجتماع رشد می‌یابد در جریان جامعه‌پذیری یاد می‌گیرد که چگونه زندگی کند، هویتی کسب‌کند و انتظارات دیگران از وی چگونه است. و شاکله وی شکل می‌گیرد. «جامعه‌پذیری نوعی جریان است که در خلال آن فرد عناصر مختلف محیط اجتماعی را فرا گرفته و آن را منطبق بر شخصیت خود می‌سازد. بنابراین بر اساس دو عملکرد «یادگیری و درونی کردن» افراد از شخصیتی بهنجار برخوردار شده و وظایف خود را در قبال جامعه مطابق با ارزش‌های آن جامعه انجام می‌دهد (صمدوند و طالب‌زاده، ۱۴۰۰: ۸۸). با شکل‌گیری شخصیت جزئی از افراد جامعه می‌شود. اصولاً هویت افراد با تعلقات آنان به گروه‌های اجتماعی تعریف می‌گردد، برعکس فردگرایی با افزایش

نفع‌طلبی‌های خودخواهانه همراه بوده و زمینه کاهش تعهدات فرد نسبت به جمع و جامعه را افزایش داده و کاهش تدریجی مسئولیت اجتماعی و هنجارشکنی را فراهم می‌کند. از این جهت که فردگرایی با جمع‌گرایی و ایثار قابل جمع نیست. به همین دلیل هرگونه بریدن و گسست از اجتماع به شدت منع شده است: «همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است از پراکندگی پرهیزید، که انسان تنها بهره‌شیطان است آنگونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود» (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷). اجتماع بی شک سرمایه فکری است برای اینکه دچار انحراف نشود و سر مسأله در این نکته نهفته است که سرمایه اجتماعی ناظر به مرحله تعالی یافته اجتماع است یعنی مرحله‌ای که انسان‌ها گرد هم آمده و آن را انتخاب کرده‌اند و اجتماع را وطن اصلی خویش تلقی می‌کنند. زیرا «روابط متقابل عاطفی با اجتماع، موجبات انجام وظایف، تعهدات مشترک، تثبیت و تقویت پیوندهای اجتماعی، ایجاد وجدان جمعی و شکوفایی تمایلات دگرگرایانه، امکان بهره‌گیری بهتر از سرمایه‌های مشترک اجتماعی، می‌شود» (شرف‌الدین، ۱۳۸۷: ۲۵). به همین دلیل هم جلوه‌های برادری، عشق و همزیستی در اجتماع جلوه می‌کند و عنایت الهی نیز در صورتی شامل اجتماع می‌شود که در آن اجتماع بتواند نقطه توازن و تعادل بیابد. در منطق دین اسلام براساس تعالیم الهی فقط جامعه‌ای به چنین نقطه تعادل و توازن دست می‌یابد که دینی باشد. دین برنامه صحیح و مطلوب زندگی آدمی است که جمیع ابعاد و وجوه حیات فرد و جامعه را فرا می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۳۱۴).

جداشدن از توده‌های مردم و به تعبیری انزوای اجتماعی، یکی از انحرافات فکری و اعتقادی و عقیدتی است، افراد منزوی به زودی گرفتار تخیلات خود برترینی می‌شوند و چنین می‌پندارند که موجودی برترند و مردم باید در مقابل آن‌ها تعظیم‌کنند و چون چنین عکس‌العملی از مردم نمی‌بینند؛ آتش بدبینی و سوء ظن و کینه و عداوت در دل آن‌ها روشن می‌شود و به همین جهت به انتقام‌جویی و کشتن افراد بی‌گناه و صدمه‌زدن به سرمایه‌های اجتماعی رو می‌آورند. البته منظور از هماهنگی با جمعیت همان اکثریتی است که دارای ایمان و ارزش‌های اخلاقی باشد اسلام هماهنگی با اکثریت فاسد را هرگز توصیه نکرده است (مکارم شیرازی ۱۳۸۲: ج ۵/۳۳۵).

افراد منزوی از اجتماع، چون خود را از نظارت دیگران رهاشده چون در بحران‌ها و مشکلات پیش آمده از تصمیمات درست ناتوان می‌شوند، دچار نوعی ناامیدی و اضطراب و بعضاً به اعمال ضد هنجار روی می‌آورند.

### ۸.۲.۵ نظارت همگانی به مثابه پیشران نهادینه‌سازی هنجارها

این امتیاز مهم را قانون اسلام بر بسیاری از قوانین جهان دارد که همه افراد جامعه را در برابر آن چه در جامعه می‌گذرد، مسئول می‌داند، هرگاه کسی از انجام وظیفه خود عدول کند، همه به عنوان واجب کفایی مأمورند او را نصیحت کرده و به انجام وظیفه فرا خوانند و هرگاه کسی آشکارا منکری را انجام دهد و کاری بر خلاف موازین اسلامی مرتکب شود؛ همه مسئولند او را اندرز دهند و او را از آن کار بازدارند. این امر در قالب امر به معروف و نهی از منکر نیز در بیان امام (ع) دیده می‌شود. معروف به آن دسته از سنت‌ها و سیره‌های نیکو در جامعه اطلاق می‌شود که عقلای جامعه آن‌ها را به خوبی می‌شناسند و آنچه با عقل در تعارض باشد منکر است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۳۸۰). امر به معروف و نهی از منکر ساده‌ترین، بهترین و قوی‌ترین نیروی نظارتی و بازرسی در جامعه اسلامی است. نظارت اجتماعی از جمله اصول بنیادین پذیرفته شده است که به هیچ وجه با بی تفاوتی اجتماعی کنار نمی‌آید. نقش نظارتی به سان شالوده‌ای است که پایه‌های استواری جامعه بر آن بنا شده است و موجب همگرایی و هماهنگی اجزا و اعضای جامعه می‌شود. اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، عوامل مختلفی که دشمن وحدت اجتماعی هستند، از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را از نابود می‌کنند (همان: ۳۰۷). اهمیت این اصل به اندازه‌ای است که امیرالمؤمنان در مورد آن فرمودند: «و تمام کارهای نیکو، و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است» (نهج البلاغه: حکمت ۳۷۴).

این امر یکی از واجباتی است که بُعد اجتماعی قوی دارد و به مثابه دو اصل زیر بنایی در راستای اصلاح جامعه به کار می‌رود. و در واقع به مثابه یک نوع کنترل بیرونی به شمار می‌رود که سالم‌سازی اجتماع را به دنبال دارد. اگر افراد جامعه به عنوان شبکه‌های روابط اجتماعی پیوسته یک ناظر بیرونی را بر اعمال خود احساس کنند، امکان عدم نقض هنجارهای مورد تأکید جامعه و لزوم پای بندی به قوانین مورد نظر جامعه اسلامی افزایش می‌یابد. در نتیجه افراد جامعه احساس اعتماد بیشتر به یکدیگر و امنیت عمومی و آرامش

بیشتری در اجتماع حکم فرما خواهد بود که نتیجه آن سرمایه اجتماعی بیشتر برای اجتماع خواهد بود. این عنصر از دیدگاه آن حضرت(ع) مورد تأکید فراوان قرار گرفته است و فلسفه وجودی آن را در کاهش انحرافات اینگونه توصیف می‌کند «امر به معروف را برای مصلحت عموم قرار داد و نهی از منکر را برای بازداشتن نادانان واجب نمود.»(همان:حکمت ۲۵۲). ذکر این نکته ضروری است که بدانیم فلسفه وجودی و وجوبی امر به معروف و نهی از منکر در این فراز «همانا تأمین و حفظ مصلحت عمومی و منافع همگانی است». رعایت این دو اصل روحیه مواظبت از ارزش‌ها و هنجارها را در جامعه زنده نگه می‌دارد. این دواصل به افراد اجازه می‌دهد که با هرگونه کجروی و انحراف در حد توان مقابله نمود در صورتی که ارزش‌ها و هنجارها از چنین ضمانت اجرایی برخوردار باشد، کمتر کسی پیدا می‌شود که هنجارهای مورد نظر جامعه را نقض کند.

#### ۹.۲.۵ نگاه امیدوارانه به نظام عالم عامل مهم در نهادینه‌سازی هنجارها

بخش قابل توجهی از عناصر تشکیل دهنده نهادینه سازی هنجارها به وجود معنا در زندگی وابسته است هرچند این موضوع از دید علم اخلاق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. زیرا اگر انسان نتواند معنا و مفهومی در زندگی پیدا کند احساس پوچی به او دست می‌دهد و اعتماد و عزت نفس خود را ازدست می‌دهد. بنابراین با افزایش معنا در زندگی شاهد سلامت روحی و روانی افراد خواهیم بود معناداری زندگی انسان‌ها را از اعمالی که با ماهیت وجودی انسان و هنجارها و ارزشهای اخلاقی فاصله دارد بازمی‌دارد. «ای مردم از خدا بترسید، هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی پردازد، و او را به حال خود وانگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نماید،»(نهج البلاغه:حکمت ۳۷۰). انسان معناگرا، نظری ایجابی و مثبت به خود و جهان دارد و با چنین نظری هدف‌های حرکت و زندگی و ارتباطات اجتماعی را می‌یابد و به سوی آن‌ها روی می‌کند بی‌آنکه سرگردان بماند و یا دچار شکست و یا گرفتار تردید شود. چنین انسانی مقصد را می‌شناسد و راه را نیز. چون انسان به جهان نگرش مثبت بنگرد، زندگی را پوچ و تهی و چیستان‌ناگشودنی نمی‌شمرد. چنین نگرشی چه آثاری مثبت با خود دارد، آثاری که تمام روابط اجتماعی آدمی و حرکت‌های فردی اجتماعی و فردی را فرامی‌گیرد(حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۷۶۵). این نوع نگاه بیش آدمی را نسبت به نظام هستی تغییر می‌دهد:

## بازکاوی عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی ... (مژگان قادرزاده و دیگران) ۱۶۳

و بدانید ای بندگان خدا که خداوند شما را بیهوده نیافرید، و بی سرپرست رها نکرد. از میزان نعمتش بر شما آگاه، و اندازه نیکی‌های خود بر شما را می‌داند. از خدا درخواست پیروزی و رستگاری کنید، از او بخواهید و عطای او را درخواست کنید، که میان او و شما پرده و مانعی نیست، و دری بروی شما بسته نمی‌گردد. خدا در همه جا، و در هر لحظه، و هر زمان، با انسان و پریان است. عطای فراوان از دارایی او نمی‌کاهد، و بخشیدن در گنج او کاستی نیاورد، و درخواست کنندگان، سرمایه او را به پایان نرسانند، و عطاشدگان، سرمایه او را پایان نمی‌دهند، و کسی مانع احسان به دیگری نخواهد بود، و آوازی او را از آواز دیگر باز ندارد، و بخشش او مانع گرفتن نعمت دیگری نیست، و خشم گرفتن او مانع رحمت نمی‌باشد (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۹۵).

حالت فرد با اندیشه معناگرا در کشور هستی مانند حالت فردی است که در کشوری زندگی می‌کند که قوانین و تشکیلات آن را صحیح و عادلانه می‌داند به حسن نیت گردانندگان اصلی کشور نیز ایمان و اعتماد دارد و قهراً زمینه ترقی و تعالی را برای خودش و همه افراد دیگر فراهم می‌بیند (مطهری ۱۳۸۹: ۳۹). معنابخشی در زندگی است که می‌تواند تنظیم‌کننده بسیاری از تعاملات و روابط اجتماعی باشد کارکرد اعتقاد به این باور افزایش تحمل در برابر معضلات و محرومیت‌های اجتماعی است که آستانه تحمل افراد را افزایش می‌دهد و این امر مانع رفتار نابهنجار در اجتماع می‌شود افرادی که دارای شخصیت سالم هستند معتقدند که هیچ چیز بیهوده آفریده نشده است (ذاریات/۵۶). مبدأ و هستی برای او کاملاً روشن است و هدف رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی است (بقره/۳۰). چرا که امام علی (ع) فرمودند: «هرگاه مسلمان در تنگنا قرار گرفت نباید از خداوند شکایت کند بلکه باید به پروردگارش که زمام و تدبیر امور به دست اوست شکایت کند» (نامه/۴۵). نیز فرمودند: «هرکس بی‌تابی کند مصیبتش افزون‌تر می‌گردد» (غرر الحکم: ج ۲/۵۶۲). چنین انسانی به اعمال ضد هنجار مبتلا نمی‌شود پس شخصیتی که در سایه بینش معناگرا رشد کرده است و در هر مرحله از زندگی تبلور تازه‌ای می‌یابد.

## ۱۰.۲.۵ وجدان اخلاقی / نگاه مبتنی بر انصاف مخاطبان و تاثیر آن در نهادینه سازی

### هنجار

در ساده‌ترین تعریف از وجدان می‌توان گفت که آن ندای درونی و ضمیر پاک انسانی هر فرد است که وی را برای دست یازیدن به اعمال بد باز داشته و به سمت اقدامات نیک

ترغیب می‌کند. جدیت، تلاش، درستکاری، امانتداری، دوستی، انصاف‌ورزی و جوانمردی همه تحت تأثیر وجدان هستند. خیرخواهی و زیباگرایی انسان و دوری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها که در قالب وجدان اخلاقی شناخته می‌شود از جمله فطریاتی است که خداوند در نهاد همه انسان‌ها قرا داده است. «انسان به فطرت خود گرایش به خیر اخلاقی دارد یعنی گرایش به اموری فراتر از سود جویی و زیان‌گریزی است بلکه تمایل ذاتی به فضیلت‌ها و کرامت‌ها دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۹۱) با مروری دیگر در سخنان اما در می‌یابیم که بسیاری از ارزش‌های درونی ریشه در عمق انسان و در فطرت و وجدان و باورهای او دارند و بر بنیان‌های انسانی استوار می‌گردند و طبعاً بوسیله گرایش‌های انسانی و نه صرفاً خواست جمعی، محک زده می‌شوند. (بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۳/۵۱). آدمی با رجوع به وجدان خود زشتی و زیبایی را درک می‌کند و آنچه را شایسته است به آن عمل می‌کند و آنچه را ناشایست است از آن دوری می‌کند. ایده فوق از توصیه‌ای که حضرت امیر به فرزندش می‌فرمایند، استنباط می‌شود: «پسرم! خویشتن را معیار و مقیاس قضاوت بین خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را برای خود دوست می‌داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی بر دیگران مپسند، ستم نکن همانگونه که دوست نداری به تو ستم شود و احسان کن همانطور که دوست داری به تو احسان شود، برای خویشتن چیزی را زشت بدان که همان را برای دیگری قبیح می‌شماری و به همان چیز برای مردم راضی باش که که برای خود رضا می‌دهی (نامه/۳۱). همچنین فرمودند: «همین ادب تورا بس که از هر آنچه انجام دادنش را از دیگری خوش نمی‌داری خودت اجتناب کنی» (حکمت/۴۱۲).

### ۱۱.۲.۵ اعتقاد به کرامت ذاتی انسان عمل‌نهادینه سازی هنجارها

اگرچه در اسلام بالاترین مقام و منزلت متعلق به خداوند است و خاستگاه و سرچشمه همه حق‌ها و حقوق‌ها خداوند است با این‌همه انسان در این‌کانون جای دارد و از بالاترین کرامت برخوردار است چنین کرامتی از نظر امام علی (ع) به این دلیل از مبدأ سرچشمه می‌گیرد که انسان از سه جهت با مبدأ ارتباط دارد «روح الهی» «فطرت الهی» و «قلب» (خطبه/۱). لذا انسان با روح و فطرت خویش پیوند ذاتی با خداوند برقرار می‌کند.

## بازکاوی عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی ... (مژگان قادرزاده و دیگران) ۱۶۵

قلب در تصور اسلامی، مرکز اصلی عقیده و پذیرفتن اصول دینی و محور معنویات انسان و خداگرایی و پاکیزگی و پاک‌نهادی او است. پس خصلت‌های روحی، از عاطفه و بیداری وجدان و لطافت احساس همه برخاسته از قلب و انگیزه از آن است. و هنگامی که قلب به خواسته‌های پست میل نکند و در دام علاقه‌مندی‌های فرومایه نیفتد؛ زنده باقی می‌ماند و به انجام کارهای نیک و شایسته میل می‌کند و همه انسان‌ها را دوست دارد و برای همه خواستار نیکی است و در برابر پروردگار جهانیان فروتنی و خضوع می‌کند (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۴، ۴۶-۴۴).

واژه کرامت در دوران جاهلیت به معنای شرافت خانوادگی و بزرگی تبار بود اما قرآن کریم بین دو مفهوم کریم و تقوا پیوندی وثیق و ژرف ایجاد کرد (حجرات/۱۳). تغییر معنای واژه کرامت به حدی بوده است که می‌توان آن انقلاب اخلاقی نامید. اینک با این تحول معنایی مبنای کرامت، رفتار خوب با دیگران است. کمال آدمی و اصلاح رفتاری وی در گرو رشد کرامت وی است و انسان در زمینه کرامت به فضایل دیگر دست می‌یابد و انسان بی‌کرامت از همه فضایل محروم می‌ماند و در گرداب تباهی‌ها غرق می‌شود. انسان به موجب کرامتش از دنیای دون که ریشه همه گناهان و ناهنجاری‌هاست آزاد و رها می‌شود و خود را برتر از آن می‌بیند که تن به ناهنجاری‌ها و گناهان دهد. «بنابراین کرامت یعنی دوری جستن از عوامل ذلت و دون‌مایگی انسان. کرامت یعنی پاکی و دوری از پستی و فرومایگی و برخوردار شدن از اعتلای روحی» (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۱). انسان به موجب کرامت ذاتیش میل به کسب کمال و ترقی دارد. در سخنان امیرالمؤمنان (ع) نیز آمده است: «کریم کسی است که از حرام‌ها دوری گزیند و از عیب‌ها پاک باشد» (غررالحکم: ج ۲، ۴). امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که خود را گرامی دارد، هوا و هوس را خوار شمارد» (نهج البلاغه: حکمت ۴۴۹). در نظام انسان‌شناسی امام علی (ع) نه خود انسان و نه دیگران تحت هیچ عنوانی حق ندارند که عزت نفس انسان‌ها را زیر سؤال ببرند: «نفس خود را از آلودگی به پستی‌ها گرامی دار که در برابر آنچه از خویشتن خویش می‌پردازی بهایی نخواهی یافت» (همان: نامه ۳۱). و در نادانی انسان همین بس که قدر خود را نشناسد (همان: خطبه ۱۶). نظر به اینکه اگر در خود احساس کرامت کند و آن را گرامی بدارد به دنبال کسب اخلاق می‌رود و از اعمال ناروا اجتناب می‌ورزد.

## ۶. نتیجه‌گیری

۱. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان یک ملاک و معیار برخاسته از تعالیم دینی در جهت ارزیابی عملکرد نهادهای فرهنگی کشور در جهت نهادینه سازی هنجارها قلمداد گردد. به عبارت دیگر یافته‌ها به سان سنجه‌هایی هستند که می‌توانند ما را در ارزیابی روش‌هایی که تاکنون در زمینه نهادینه سازی هنجارها انجام گرفته به کار آید.
۲. یافته‌های پژوهش می‌تواند عنوان یک چراغ راهی برای تمام سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی برای نیل به موفقیت در نهادینه سازی هنجارها مورد توجه قرار گیرد.
۳. یکی از مسیرهای تولید سرمایه اجتماعی، نهادینه سازی هنجارهای اجتماعی است. به هر میزان جوامع بتوانند در زمینه نهادینه سازی هنجارها موفق‌تر عمل نمایند، صاحب سرمایه اجتماعی بیشتری خواهند بود.
۴. از پیشنهادات پژوهشی می‌توان به «بازکای روش‌های نهادینه سازی هنجارها از نگاه قرآن کریم» اشاره نمود، از زمینه‌های دیگر می‌توان به «تحلیل سیره رفتاری امام علی(ع) در دوره حکومت در جهت نهادینه سازی هنجارها» اشاره نمود.

## کتاب‌نامه

- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، (۱۳۸۱). چاپ سیزدهم، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی، فارسی بر اساس فرهنگ عربی انگلیسی هانس‌ور، تهران: نشر نی.
- افروغ، عماد (۱۳۷۹). فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، تهران: مؤسسه فرهنگ و دانش.
- ایروانی، محمدجواد (۱۳۸۰). درآمدی بر نظریه نهادی، تهران: نشر سیاست.
- الهی فاطمه، مهدوی نژاد، حسین، دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). جایگاه عقل در معرفت دینی از دیدگاه امام علی(ع)، پژوهش‌نامه علوی: سال ششم، شماره دوم، صص ۲۵-۱.
- بحرانی، میثم بن علی (۱۳۵۵). قواعد المرام فی علم الکلام، قم: انتشارت مهر.
- بنیاد نهج البلاغه، (بی تا). مسائل جامعه‌شناسی، تهران: مؤسسه مطالعاتی نهج البلاغه.
- تمیمی آمدی، (۱۳۶۸). غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

بازکاوی عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر نهادینه‌سازی ... (مژگان قادرزاده و دیگران) ۱۶۷

پوررستمی، حامد، (۱۳۹۹). نظریه سرمایه اجتماعی «امامت محور» با تکیه بر آموزه‌های شیعی، مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۳، صص ۲۷۳-۲۹۶.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۹). کرامت در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء.

----- (۱۳۷۲). عرفان و حماسه، چاپ اول، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، (۱۳۸۰). الحیاء، مترجم: احمد آرام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خسروی، زهره، باقری، خسرو (۱۳۸۷). راهنمای درونی‌کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه درسی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، دوره سوم، شماره ۸، صص ۸۱-۱۰۵.

دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۷۹). منظر مهر، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت: دارالقلم.

رنانی، محسن، مؤیدفر، رزیتا (۱۳۹۷). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد، تهران: انتشارات طرح نقد.

شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۸). فقر و غنا در قرآن و حدیث، تهران: نشر رایزنان.

شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۷). تحلیل اجتماعی از صله رحم، تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

صانع پور، مریم (۱۳۹۸). اصول اخلاق مسالمت با تمرکز بر سخنان امام علی (ع)، پژوهشنامه علوی: سال دهم، شماره دوم صص ۱-۲۴.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله، (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات سمت

صمدوند، سجاد، طالب‌زاده، حمید (۱۴۰۰). واکاوی رهیافت‌های پیشگیرانه از جرم از منظر آموزه‌های نهج البلاغه، پژوهش نام علوی: سال ۱۲، شماره ۲، صص ۷۱-۹۶.

عبده، شیخ محمد (بی تا). شرح نهج البلاغه، قاهره: مطبعه الاستقامه.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی اعتماد و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز، حسن پویان، تهران: چاپ پخش.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۲). الکافی، قم: انتشارات اسوه.

گلایی، سیاوش (۱۳۷۶). اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران: میترا.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: دارالاحیاء التراث.

مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن تهران: شرکت چاپ و نشر سازمان بین‌المللی سازمان تبلیغات.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات صدرا.

۱۶۸ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

..... (۱۳۸۹). مجموعه آثار، قم، صدرا.

مغنیه، محمدجواد، (۱۹۷۲). فی ظلال نهج البلاغه. بیروت، دار العلم.

مصدقیان، حسینعلی، (۱۳۸۷). بسترهای اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه اخلاق اسلامی، شماره ۱۲،

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). پیام امام (ع) (شرحی تازه و جامع بر نهج البلاغه)، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: رایزن.